مجله اقتصادی
شماره‌های ۳ و ٤، خرداد و تیر ۱٤۰۰، صفحات ۱۵۵-۱۲۱

تبیین نقش و جایگاه نهاد حاکمیت در توسعه بیمه‌های زندگی

ابراهیم کاردگر
دکتری اقتصاد، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران
kardgar49@yahoo.com

مهدی احراری
دکتری اقتصاد نفت و گاز
meahrari@yahoo.com

عبدالله نجار فیروزجائی
دکتری اقتصاد، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران
Omid.najar@yahoo.com

اهمیت بیمه‌های زندگی در توسعه صنعت بیمه، رشد اقتصادی، تأمین مالی، توسعه انسانی و شاخص‌های رفاه از منظر پارادایم‌های مختلف اقتصادی از یک سو و مواجهه کشورهای توسعه‌یافته و نوظهور برای سیاست‌گذاری‌های تحول‌گرا از سوی دیگر، بر کسی پوشیده نیست. این مهم در تبیین وجوه قدرتمند و اثرگذار بیمه زندگی در رشد معنادار ضریب نفوذ بیمه در کشورهای پیشرفته و نوظهور پیشران است که می‌تواند نقشه راهی برای تحقق یک تحول معنی‌دار در توسعه بیمه‌های زندگی در کشور ترسیم نماید. بررسی تجربه بازارهای نوظهور که موتور پیشران اقتصاد هستند و تبیین وجوه توسعه‌ای بیمه‌های زندگی که نگرش‌های جامع‌نگر، چندبعدی و توسعه‌گرا را برای یک تغییر معنی‌دار رقم خواهد زد، اساس تحقیق حاضر را شکل داده است. بر اساس نتایج تحقیق با اطمینان می‌توان گفت که بسترها و نهادهای زیرساختی توسعه‌ای برای یک تحول بنیادی در توسعه بیمه‌های زندگی که بنیان رشد و گسترش صنعت بیمه است، فراهم آمده است. همچنین حلقه نهایی در این صنعت که این کنش جمعی را به سرانجام می‌رساند، تغییر نگرش نهاد حاکمیت به منظور ارائه سیاست‌ها و طرح‌های تحول‌گرا در حوزه بیمه‌های زندگی است.

واژگان کلیدی: بیمه‌های زندگی، بازارهای نوظهور، ضریب نفوذ بیمه، نهاد حاکمیت.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-17]

۱. مقدمه

در سال‌های اخیر شاهد یک جریان پرشور در تغییر نگرش‌های پیشین عمدتاً معطوف به وجوه نظارتی در اندازه‌های حداکثری صنعت بیمه بوده‌ایم که بی‌شک ناشی از تغییر نگرش متولی امر در حوزه سیاست‌گذاری صنعت بیمه کشور است و نگاه حداکثری و تک‌بعدی پیشین، امروز به نگرشی متکثر و چندوجهی بدل شده است. ویژگی ارزشمند این تغییر نگرش به‌طور مشهودی در توجه به سیاست‌گذاری‌های معطوف به گسترش معنی‌دار چتر بیمه در سطح جامعه و سبد دارایی‌های خانواده متبلور شده و نتایج آن در تحلیل‌های کمی صنعت بیمه به‌خوبی قابل ارزیابی است. نکته مهم‌تر اینکه سهم عمده این همت عالی به معنی‌دار کردن رشد و گسترش بیمه‌های زندگی به عنوان رکن اصلی و عمود خیمه صنعت بیمه است که تفکر حاکم به‌خوبی این شاهرگ اصلی را تقویت و پشتیبانی می‌نماید. حمایت از تشکیل شرکت‌های بیمه تخصصی، توسعه فراگیر و تخصصی شبکه فروش موضوع آئین‌نامه ۵۴ و بهره‌مندی از ظرفیت‌های نهادهای قانونی برای حمایت همه‌جانبه از بیمه‌های زندگی، شواهد عملی از تغییر نگرش در بنیان‌های فکری و عملیاتی حاکمیت جدید است. بر این اساس می‌توان یک چشم‌انداز تحول‌گرا که ابعاد تحول آن به‌مراتب فراتر از مقیاس‌های کمی روندهای گذشته و حال باشد را به‌طور معقول و منطقی انتظار داشت.

تحقیق حاضر در پی آن است تا با طرح برخی وجوه نظری در حوزه اقتصاد، توسعه و تحلیل برخی تغییرات معنی‌دار در رشد بیمه‌های زندگی در کشورهای نوظهور، اهمیت توسعه بیمه‌های زندگی در رشد ضریب نفوذ بیمه را تبیین کرده تا با توجه به ظرفیت‌های فکری، فنی و عملیاتی صنعت بیمه بتوان تحول درخور و قابل اعتنایی را رقم زد. در ادامه، اهمیت بیمه‌های زندگی از منظر گزارش‌های بین‌المللی در کشورهای نوظهور در بخش دوم، تبیین نظری وجوه توسعه‌ای بیمه‌های زندگی در بخش سوم و درنهایت نتیجه‌گیری و پیشنهادهای پایان‌بخش مقاله خواهد بود.

۲. اهمیت بیمه‌های زندگی

صنعت بیمه یکی از بخش‌های اصلی در حوزه نهادهای مالی و ضریب نفوذ آن یکی از شاخص‌های توسعه اقتصادی هر جامعه‌ای است. در این بین بیمه زندگی، علاوه بر دارا بودن وجوه توسعه مالی و اقتصادی، یکی از شاخص‌های توسعه رفاه نیز است.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-17]

بیمه عمر با توجه به ویژگی‌های خاص خود می‌تواند در فعال نمودن بازار سرمایه نقش اساسی ایفا نماید. ذخایر ریاضی تجمیع‌شده در شرکت‌های بیمه می‌توانند باعث فعالیت‌های اقتصادی سودآور گردند. تأثیر رشد بیمه‌های عمر در اقتصاد به حدی است که بسیاری از تحقیقات کاربردی به رابطه‌ای یک به یک بین آن و توسعه و رشد اقتصادی با ضرایب معنی‌داری بالا، دست یافته‌اند (مهدوی کلیشمی، ۱۳۸۸).

بیمه زندگی بزرگ‌ترین بخش صنعت بیمه در دنیاست، زیرا از یک سو با هدایت سرمایه‌های کوچک خانوار به سوی ایجاد ظرفیت‌های اقتصادی و از سوی دیگر با رفع دغدغه‌های آتی نهاد خانواده به عنوان عرضه‌کننده نیروی کار، نقش انکارناپذیری در توسعه اقتصادی و اجتماعی دارد (متوسلی و همکاران، ۱۳۹۰).

بر این اساس، یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های متولیان صنعت بیمه در ایران، افزایش سهم بیمه زندگی در سبد خانوار و به تبع آن رشد سهم و ضریب نفوذ آن درکل پرتفوی بیمه و اقتصاد کشور است. بنابراین اهمیت توسعه بیمه زندگی از دو جنبه قابل تأمل و توجه است. اول، از بعد اقتصادی که در رشد شاخص مالی صنعت بیمه متجلی می‌گردد و دوم، از دیدگاه نهادی که در توسعه بازار بیمه، از طریق افزایش مشارکت بیمه‌گذاران و بیمه گران در بازار مبادله‌ای بیمه زندگی ناشی از رشد بهره مشترک[1]، تبلور می‌یابد. بنابراین بیمه زندگی را می‌توان از منظر یک پدیده انسانی مورد بررسی قرار داد که جنبه‌های متعددی از رفتارها، کنش‌ها، نهادها و سایر پارامترهای اثرگذار را در بر دارد که به طریق اولی، وجوه شناختی آن باید مترتب بر نوعی جامعیت و روش‌شناسی متناسب با موضوع خاص خود ریشه‌یابی، تبیین، تحلیل و درنهایت ارائه راه‌حل گردد (کاردگر و احراری، ۱۳۹۳).

حضور پررنگ بیمه‌های زندگی برای بخش اقتصادی حائز اهمیت است. آنچه تجربیات کشورهای موفق و نوظهور در صنعت بیمه نشان داده حاکی از این است که بخش حقیقی اقتصاد از طریق بیمه‌های زندگی تأمین مالی می‌شود. KPMG[2] اهمیت و اعتبار بیمه‌های زندگی برای اقتصاد کشورها را در موارد زیر خلاصه نموده است:

- از طریق توزیع ریسک به کاهش فقر در سطح جامعه کمک می‌کنند.

1. Mutual Gain

۲. KPMG شبکه‌ای جهانی از شرکت‌های حرفه‌ای که خدمات مالیاتی، حسابرسی و مشاوره‌ای ارائه می‌دهند.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-17]

- از آنجا که بیشتر محصولات ارائه‌شده توسط بیمه زندگی دارای یک مؤلفه پس‌انداز هستند، پس‌انداز بیشتری را توسط جمعیت ایجاد می‌کند.
- دسترسی به اعتبار را افزایش می‌دهد زیرا بیشتر ارائه‌دهندگان اعتبار، زمانی که افراد به‌طور انفرادی پوشش بیمه عمر دارند شرایط اعتباری بهتری را پیشنهاد می‌دهند. به‌ویژه برای اعتبار بلندمدت به عنوان مثال وام‌های مسکن.
- می‌تواند به‌عنوان یک مکمل یا حتی جایگزین برای تأمین اجتماعی عمل کند و برنامه‌های مساعدت توسط دولت اداره شود (به عنوان مثال سود پرداخت‌شده بیمه عمر به خانواده متوفی که صاحب اصلی بیمه عمر است می‌تواند خانواده را بالاتر از آستانه فقر نگه دارد. بنابراین از نظر کاهش بار مسئولیت مالی با چنین برنامه‌هایی کمک می‌کند).

مطالعات متنوعی در خصوص اهمیت بیمه‌های زندگی در رشد و توسعه اقتصادی صورت گرفته که شرح آن در مقالات متعددی ارائه شده که در این مقاله نیازی به طرح آن‌ها نیست. لذا در این بخش به بررسی چند گزارش بین‌المللی در خصوص تغییرات رشد بیمه‌های زندگی در کشورهای نوظهور[1] می‌پردازیم که می‌تواند بنیان‌های نظری و عملی تحقیق حاضر را در توسعه فراگیر بیمه‌های زندگی تبیین نماید.

۲-۱. تحلیل چشم‌انداز رشد بیمه در جهان[2]

با توجه به این‌که عمده تحلیل‌ها و پیش‌بینی‌های بنیادی و هدفمند در خصوص روندها و چشم‌انداز بیمه تا ۲۰۲۰ در گزارش PWC ۲۰۱۶ ارائه شده است بنابراین مبنای تحلیل‌های صورت گرفته در این مقاله مبتنی بر گزارش مذکور است. علاوه بر این از گزارش‌ها و آمارهای سالانه سیگما نیز برای تحلیل‌های تکمیلی استفاده شده است.

نکته اول این گزارش در خصوص چشم‌انداز رشد بیمه در جهان است که عنوان می‌دارد: تداوم رشد اندک صنعت بیمه در جهان به واسطه رشد قدرتمند بازارهای کشورهای نوظهور خواهد بود. همچنین در خصوص رشد بیمه‌های زندگی نیز به پشتیبانی بازارهای نوظهور در این حوزه تأکید می‌نماید.

1. Emerging Countries
2. Global insurance trends analysis 2016, An industry braving uncertain times May 2017, EY.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-17]

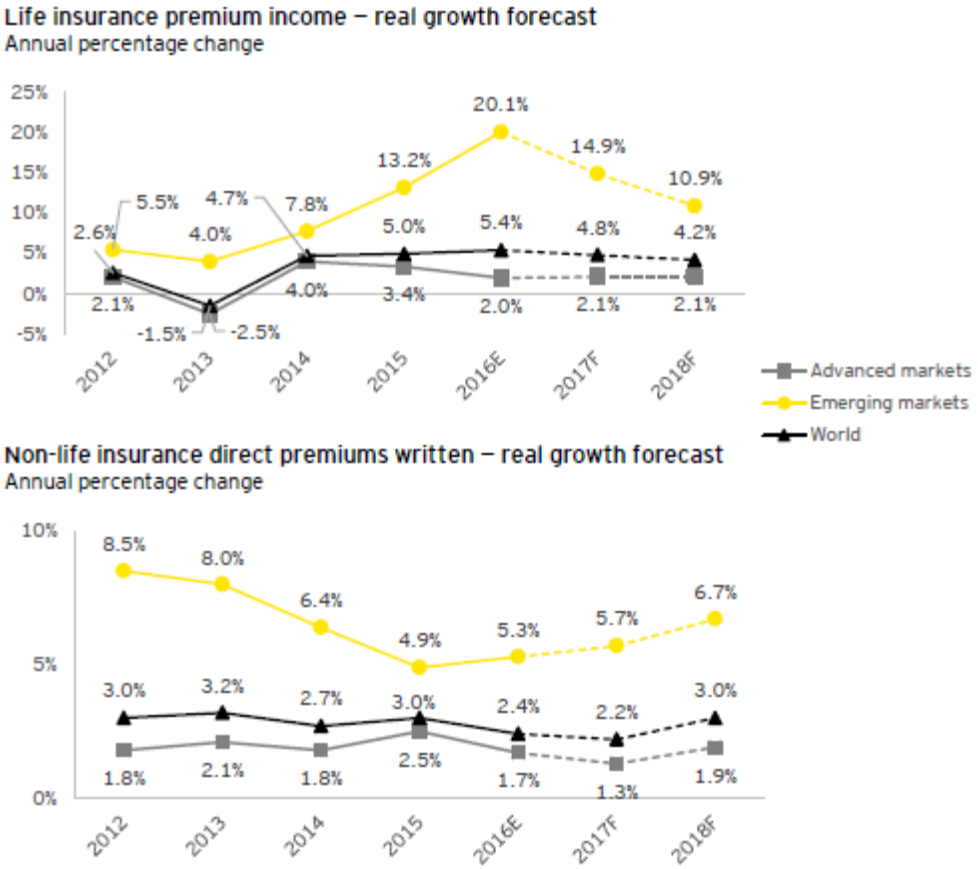

منبع: Global insurance trends analysis 2016, P.7

نمودار فوق به‌وضوح رشد معنی‌دار بیمه‌های زندگی در بازارهای نوظهور در مقایسه با بازارهای پیشرفته و رشد جهانی را نشان می‌دهد. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، سرعت رشد در بازارهای نوظهور طی چهار سال (۲۰۱۲-۲۰۱۶) حدود ۱۰ برابر شده است، در حالی که روند تغییرات در بیمه‌های غیرزندگی رویه معکوس را در پیش گرفته است. بی‌شک این امر مبین تغییرات معنادار در سیاست‌گذاری و توجه به این بخش اصلی (بیمه زندگی) در رشد صنعت بیمه در کشورهای نوظهور است. به عبارت بهتر مبتنی بر تجربه‌های موفق و پیشرو در کشورهای پیشرفته، توجه بنیادی و همه‌جانبه به رشد و توسعه بیمه‌های زندگی به عنوان مهم‌ترین و بزرگ‌ترین بخش صنعت بیمه، در صدر سیاست‌گذاری‌های کلان اقتصادی کشورهای نوظهور قرار گرفته و هم‌افزایی قابل توجهی را

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-17]

نه‌تنها در رشد بخش بیمه در این کشورها، بلکه به عنوان حمایت‌کننده اصلی رشد جهانی بیمه ایجاد کرده‌اند.

روند پرشتاب رشد تا ۲۰۱۶ به حداکثر خود رسیده و از آن به بعد کاهش رشد طبیعی و منطقی در سال‌های آتی پیش‌بینی می‌گردد.

چشم‌انداز متصور شده برای بیمه‌های عمر در سال‌های ۲۰۱۸ و ۲۰۱۹ حاکی از این بود که بازارهای نوظهور حاکم بر شرایط خواهند بود و نگاه به آینده برای کشورهای پیشرفته است. Global life insurance GWP growth(2015-19)[1]

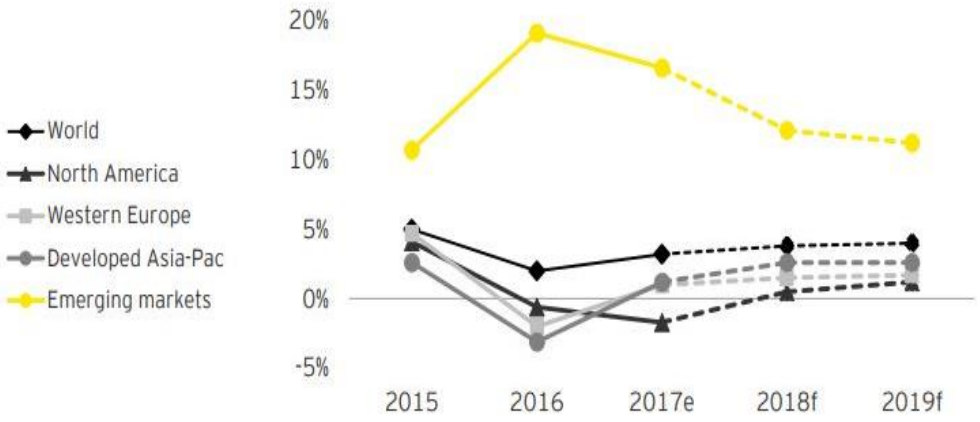

Source: Swiss Re

در واقع رشد بازارهای نوظهور با تداوم گسترش بازار بیمه عمر چین محقق می‌شود. با این حال، این انتظار وجود داشته که رشد در چین در سال ۱۹-۲۰۱۸ در برابر افزایش شدید در سال ۲۰۱۶ و ۲۰۱۷ به دلیل تغییرات نظارتی و ابتکارهای بهبود کیفیت فروش، تعدیل شود.

در میان بازارهای نوظهور، رشد مجدد احتمالی در آمریکای لاتین، اروپای مرکزی و شرقی و آفریقا به همراه رشد پایدار در هند از دیگر نیروهای محرک خواهد بود. از سوی دیگر، افزایش فشارهای تورمی در سطح جهان، می‌تواند بر تقاضا تأثیر منفی داشته و به افزایش هزینه و تهدید اساسی برای رشد و سودآوری منجر شود.

1. The gross world product (GWP) is the combined gross national product of all the countries in the world. Because imports and exports balance exactly when considering the whole world, this also equals the total global gross domestic product (GDP).

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-17]

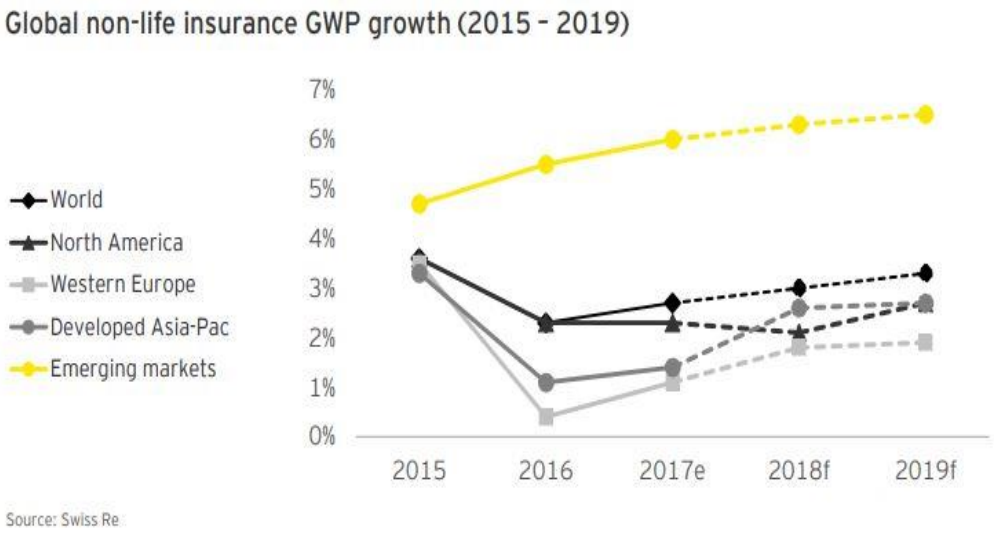

پیش‌بینی شده است که رشد واقعی در بازارهای پیشرفته با افزایش نرخ تورم در میان پیشرفت‌های جزئی در شرایط کلان، تک‌رقمی پایدار باقی بماند.

انتظار می‌رود تصمیمات سیاست گذاری در بازارهای نوظهور به عنوان محرک اصلی رشد بیمه غیرزندگی ظاهر شود. ارتقای بیمه اجباری اتومبیل در منطقه خلیج فارس و بیمه محصولات زراعی در بازار هند در سال های اخیر نمونه‌های کلیدی است. پیش‌بینی می‌شود احیای اقتصاد کلان در آمریکای لاتین و آفریقا از رشد کلی بازار نوظهور حمایت کند[1].

همچنین در نمودار فوق، شاهد پیش‌بینی رشد بیمه‌های غیرزندگی به‌تبع رشد بیمه‌های زندگی در بازارهای نوظهور هستیم که در زمان تعدیل بیمه زندگی در این بازارها رخ داده و رشد صنعت را به همراه خواهد داشت، ازاین‌رو دور از واقعیت نیست که از بیمه‌های زندگی با عنوان موتور پیشران صنعت بیمه یاد کنیم.

۲-۱-۱. کشورهای نوظهور آسیایی[2]

گزارش PWC به بررسی کامل بازارهای نوظهور در مناطق مختلف به شرح زیر پرداخته است.

1. Sigma, No. 3. 2019

۲. به استثنای چین، ژاپن و کشورهای پیشرفته آسیایی همچون: سنگاپور، هنگ‌کنگ، تایوان و کره جنوبی.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-17]

در خصوص کشورهای نوظهور آسیایی بر این نکته تأکید دارد که: یک منطقه با رشد بالا که نیاز به پذیرش تغییرات در جهت حفظ و تداوم حرکت (رو به رشد) خود دارد.

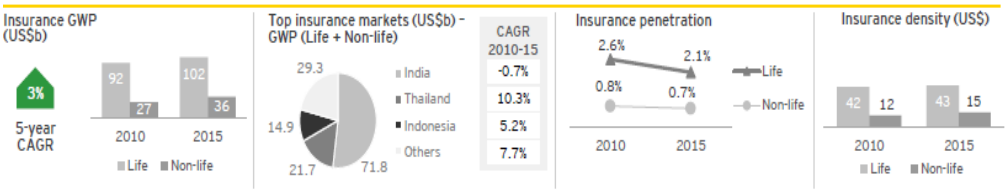

منبع: Global insurance trends analysis 2016, P.25

ملاحظه می‌گردد که تفاوت سهم بیمه‌های زندگی و غیرزندگی در کشورهای نوظهور آسیایی به بیش از سه برابر می‌رسد که نشان از اهمیت بنیانی بیمه‌های زندگی دارد. بیشترین سهم از آن هند با حدود ۷۲ درصد و به ترتیب پس از آن تایلند (۲۲ درصد) و اندونزی (۱۵ درصد) است.

ضریب نفوذ بیمه‌های زندگی طی سال‌های ۲۰۱۰- ۲۰۱۵ به نسبت بیمه‌های غیرزندگی کاهش بیشتری را نشان می‌دهد که می‌تواند به علت حجم گسترده و فراگیر بیمه‌های زندگی در سال‌های اولیه اعمال سیاست‌های رشد و توسعه آن در این کشورها باشد.

خاورمیانه[1]: رشد معنی‌دار بیمه با تصمیم‌گیری‌های سیاستی (سیاست‌گذاری) ممکن خواهد بود و رشد بزرگ‌تر در آینده در گرو نوآوری در محصول و آگاهی مشتریان خواهد بود. این عنوان مربوط به بخش خاورمیانه گزارش فوق است.

۱. به استثنای ترکیه و رژیم اشغالگر قدس.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-17]

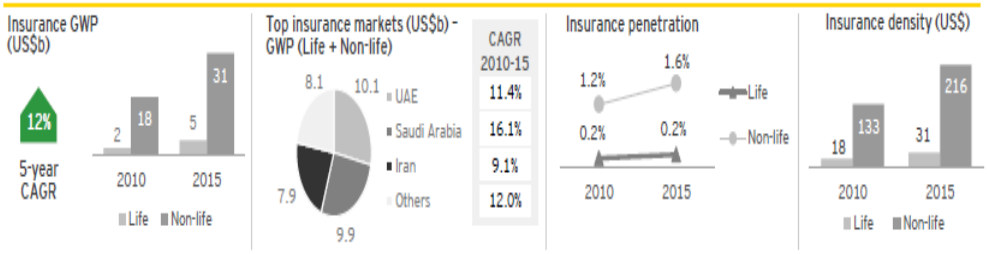

ملاحظه می‌گردد که نمودارهای فوق تفاوت سهم بیمه‌های زندگی و غیرزندگی در کشورهای خاورمیانه به بیش از ۹ برابر در ۲۰۱۰ و ۶ برابر در ۲۰۱۵ را نشان می‌دهد که گرچه این شکاف تا حد قابل توجهی ترمیم شده ولی با توجه به اینکه طی این سال‌ها بیمه‌های زندگی ۲/۵ برابر و بیمه‌های غیرزندگی ۱/۷ رشد یافته، به نظر می‌رسد سیاست‌های حمایتی نهاد حاکمیت برای توسعه فراگیر بیمه‌های زندگی، به عنوان اولویت رشد بیمه در این کشورها لازم است. عمده سهم بازار بیمه منطقه مذکور در اختیار ۳ کشور امارات و عربستان (۱۰ درصد) و ایران (۸ درصد) است. در حالی که ضریب نفوذ بیمه‌های زندگی طی سال‌های ۲۰۱۰- ۲۰۱۵ بدون تغییر بوده در مقابل بیمه‌های غیرزندگی رشد مثبتی داشته‌اند. دلیل اصلی پائین بودن سهم بیمه‌های زندگی در این منطقه به نگرش‌های دینی به این نوع بیمه برمی‌گردد. از طرفی شاید بتوان سهم و ضریب نفوذ بالای بیمه‌های غیرزندگی را در کشورهای خاورمیانه عمدتاً به سهم بالای بیمه‌های نفت و گاز در این مناطق اختصاص نسبت داد.

۲-۲. چشم‌انداز بازار بیمه[1]

در عنوان گزارش آمده است که: کشورهای نوظهور آسیا همچنان محور و رکن اصلی رشد حق بیمه جهانی محسوب می‌شوند[2].

1. Insurance Market Outlook, Munich Re Economic Research, May 2016.
2. Emerging countries in Asia still linchpin of global premium growth. (linchpin meaning: A person or thing vital to an enterprise or organization.)

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-17]

Munich RE

May 2016
Insurance Market Outlook
Page 4/5

3.2 Life insurance

Real growth in life primary insurance premiums by region (%)

Low interest rates dampening premium growth in industrialised countries, emerging countries still with a lot of ground to make up

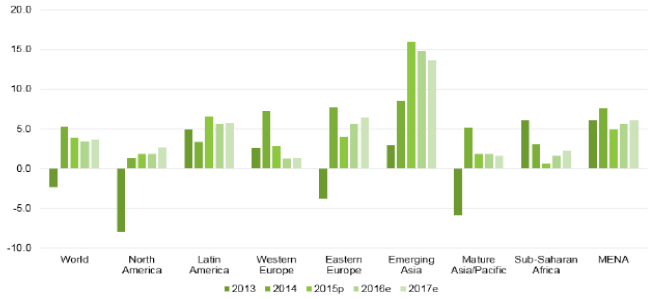

Growth in life premiums: real CAGR* 2016–2025 (%)

In addition to Asian emerging countries, long-term growth in life insurance particularly strong in Latin American markets despite economic crises in Brazil and Venezuela

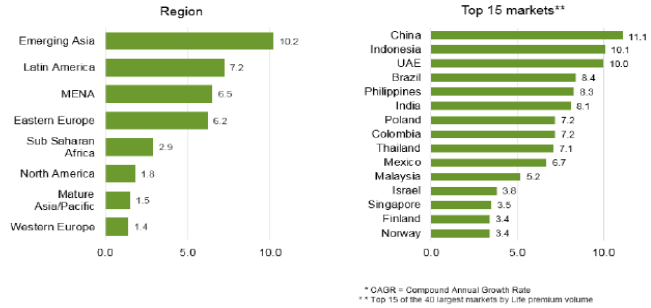

Premium growth in life primary insurance up to 2015 (€bn)

Emerging countries and industrialised countries neck and neck in share of overall growth in life insurance premiums up to 2025

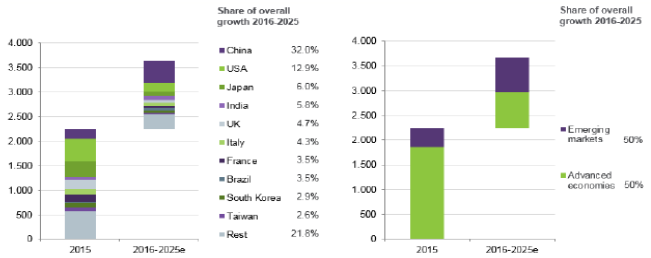

ملاحظه می‌گردد که بالاترین رشد حقیقی در حق بیمه اولیه بیمه‌های زندگی مربوط به کشورهای نوظهور آسیایی و پس از آن کشورهای منطقه منا، اروپای شرقی و آمریکای لاتین می‌باشند که بخشی از کشورهای آن‌ها در زمره نوظهورها قرار می‌گیرند. این مسئله بیان‌گر نکته مهمی است که توجه جدی در کشورهای نوظهور معطوف به رشد و گسترش کمی بیمه‌های عمر در کل جامعه است.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-17]

در خصوص نرخ رشد حق بیمه‌ها نیز کشورهای نوظهور مناطق آسیا، آمریکای لاتین، منا و اروپای شرقی پیشتازند و در بین کشورها نیز به استثنای امارات، کشورهای نوظهور تراز اول که دارای شاخص‌های اقتصادی و جمعیتی بالایی هستند قرار دارند. با این وجود کشورهای پیشرفته در سهم کلی از رشد حق بیمه تا ۲۰۱۵ به صورت برابر با کشورهای نوظهور رقابت می‌کنند.

۲-۳. تحولات صنعت بیمه در سال ۲۰۱۶[1]

عنوان گزارش عبارت است از: موتور رشد (اقتصادی) چین با سرعت به پیش می‌رود[2].

ملاحظه می‌گردد که تم و محور اصلی تمامی گزارش‌های تحلیلی حوزه بیمه و از جمله مهم‌ترین آن‌ها (سیگما)، حول رشد پیشران نوظهورها و در رأس آن چین می‌گردد. مباحث متعددی در این گزارش مطرح شده که تنها بخشی از آن با محوریت بیمه‌های زندگی و نوظهورها به شرح زیر ارائه می‌گردد:

تفاوت معنی‌دار رشد حق بیمه زندگی در کشورهای نوظهور و پیشرفته

	Life	Non-life	Total
Advanced markets	−0.5%	2.3%	0.7%
Emerging markets	17%	9.6%	14%
World	**2.5%**	**3.7%**	**3.1%**

در حالی که حق بیمه در بازارهای پیشرفته با پنج درصد کاهش مواجه شده، نوظهورها به رهبری چین به‌سرعت در حال رشد بودند. رشد حق بیمه جهان توسط نوظهورها پشتیبانی و تقویت می‌شود.

انتظار می‌رود رشد حق بیمه زندگی در طول چند سال آینده، عمدتاً به دلیل بازارهای نوظهور به رهبری چین صورت گیرد.

1. Swiss Re, Sigma No 3/2017.
2. The China growth engine steams ahead.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-17]

Figure 2
Real GDP growth by region
(2016 readings in brackets)

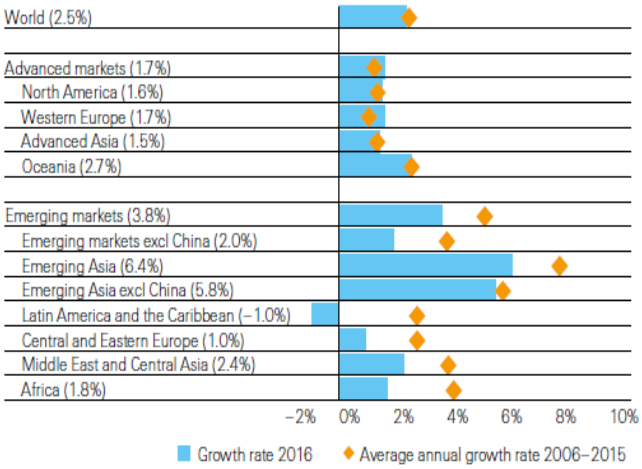

Note: countries' GDP weighted with market exchange rates.
Source: Oxford Economics, IHS-Markit, WIIW, Swiss Re Institute.

حق بیمه در بازارهای نوظهور در سال ۲۰۱۶، ۱۷ درصد رشد داشته که بیش از دو برابر میانگین بلندمدت است. یک بار دیگر، کشورهای نوظهور آسیایی رشد قابل توجهی داشتند که به‌واسطه رشد سریع چین که در آن محصولات زندگی سنتی[1] عامل اصلی بودند محقق گردید. منافع حاصل از رشد فروش به‌واسطه آزادسازی بیشتر نرخ‌های بهره و تلاش‌های دولت برای تشویق رشد تولیدات حمایتی افزایش یافت. گرچه رشد در بازارهای نوظهور به غیر از چین، به طور قابل توجهی پایین‌تر بود، اما رشد ۵/۷ درصد به‌دست‌آمده توسط هند، اندونزی و ویتنام نویدبخش بود.

1. Traditional life products.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-17]

Figure 7
Life premium growth in real terms, in the advanced and emerging markets (2016 readings in brackets)

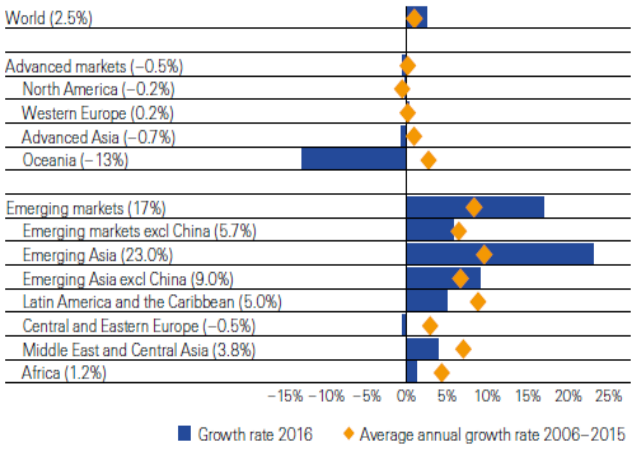

Source: Swiss Re Institute.

نرخ رشد حق بیمه‌های زندگی در بازارهای نوظهور با تأکید بر رشد قدرتمند چین، سرعت می‌یابد.

Figure 9
Contribution to real life premium growth by region, 2016

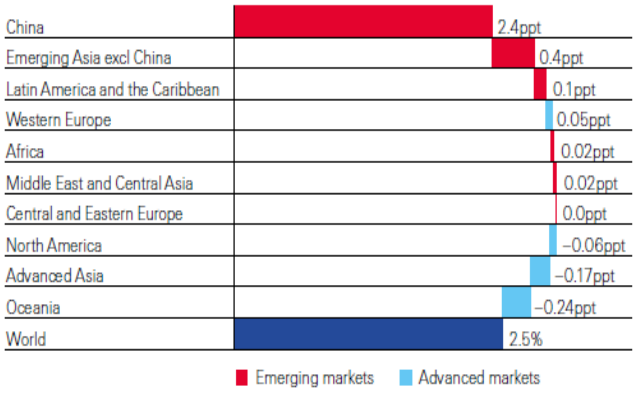

Source: Swiss Re Institute.

شکاف منطقه‌ای رشد حق بیمه زندگی، اهمیت چین را به عنوان موتور رشد جهانی متبلور می‌کند (نگاه کنید به شکل ۹). در سال ۲۰۱۶، چین ۲/۴ درصد از رشد ۲/۵ درصدی جهان را به خود اختصاص داده است. به این معنی که سایر بازارهای دیگر با هم معادل با ۰.۱ ppt باقی مانده بودند. در حالی که کشورهای نوظهور آسیایی بدون چین ۰.۴، اروپای غربی تنها ۰.۰۵، آفریقا، خاورمیانه و آسیای مرکزی، هرکدام ۰.۰۲ PPT به رشد جهانی اضافه کردند، عملکرد ضعیف اقیانوسیه، آسیای پیشرفته و آمریکای شمالی، رشد جهانی را به ترتیب ۰.۲۴، ۰.۱۷ و ۰.۰۶ PPT کاهش دادند.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-17]

برخی پیش‌بینی‌ها حاکی از آن است که در سال ۲۰۲۰ میلادی، رشد اقتصادی جهان پس از یک دوره ثبات به رشد کند ۲.۸ درصد برسد. چین در سال ۲۰۱۷ بیشترین رشد را در جهان داشته است و بر اساس پیش‌بینی‌های فوق، علی‌رغم کاهش تدریجی در روند رشد، همچنان با یک‌سوم رشد جهانی تا ۶.۱ درصد در سال ۲۰۲۰ ادامه خواهد داد.[1]

همان‌طور که نمودار فوق نشان می‌دهد در مراحل اولیه توسعه صنعت بیمه هم در کشورهای پیشرفته و هم در بازارهای نوظهور (و درحال‌توسعه)، بیمه‌های زندگی در سطحی بالاتر از بیمه‌های غیرزندگی قرار دارد.

۲-٤. سطح توسعه‌یافتگی بیمه در چین[2]

این بخش بر اساس مقاله ژو و ژانگ (۲۰۰۵) به بررسی عوامل تعیین‌کننده توسعه صنعت بیمه در چین تحت سلطه جهانی‌سازی که از زمان اجباری کردن سیاست‌های open-up دستخوش تحولات سریعی شده است، می‌پردازد. در این پژوهش که بر ۲۲۵ شهر در چین انجام‌شده عوامل تعیین‌کننده توسعه بیمه چین بر اساس حجم حق بیمه و ضریب نفوذ بررسی شده و نتایج اقتصادسنجی نشان داده است که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی برای بیمه‌های اموال مهم‌تر از بیمه زندگی است. سرانه تولید

1. Sigma,No.3.2019
2. Determinants of the Development of Insurance in China under the Globalization

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-17]

ناخالص داخلی، تنها متغیر مهم قابل توجه برای همه ابعاد زندگی است درحالی‌که جمعیت کل، سپرده ذخیره‌شده، دستیابی به تحصیلات، سرانه مالکیت تلفن، هزینه‌های رفاه اجتماعی و وابستگی جوانان در میزان حق بیمه زندگی مهم است. متغیرهایی مانند سطح دستمزد، سپرده‌های پس‌انداز، سرمایه‌گذاری در دارایی‌های ثابت، تأثیر قابل توجهی در تقاضای بیمه و افزایش دارایی‌های بیمه دارد. علاوه بر این در تحقیق فوق تفاوت‌های منطقه‌ای در چین نشان داده شده است.

بدون شک در سال‌های اخیر، صنعت بیمه در چین به‌طور فزاینده‌ای اهمیت یافته است. طبق آمار سیگما (۲۰۰۵)، درآمد حق بیمه چین، ۵۲.۱۷ بیلیون دلار معادل با ۳.۲۶ درصد تولید ناخالص داخلی این کشور در سال ۲۰۰۴ بوده که در مقایسه با سال ۱۹۸۶، ۱.۳۷ بیلیون دلار (۰.۷ درصد تولید ناخالص داخلی)، قریب ۳۵.۴۱ بیلیون دلار افزایش یافته است. پیشرفت‌های قابل توجهی که صنعت بیمه چین در سال‌های اخیر داشته و پیش‌بینی پتانسیل فوق‌العاده‌ای که برای آینده دارد، باعث شده که توجه صاحب‌نظران دانشگاهی دنیا معطوف به رشد قابل توجه صنعت بیمه چین شود. پرسش‌های مطرح شده از قبیل اینکه چه عواملی رشد پایدار چین را پشتیبانی می‌کند؟ و آیا عوامل مهم اثبات‌شده در کشورهای دیگر نیز همانند چین اثرگذار است؟ در مقایسه با ادبیات تجربی نسبتاً وسیع سایر کشورها به‌ویژه کشورهای صنعتی، ادبیات تجربی در خصوص چین اندک است.

تأسیس شرکت بیمه مردم در چین (PICC)[1] در اکتبر ۱۹۴۹ آغاز صنعت بیمه در جمهوری خلق چین است. با این حال تجارت داخلی PICC که تنها ارائه‌دهنده بیمه در آن زمان بود به علت محدودیت مالکیت خصوصی و برنامه‌های جامع تأمین اجتماعی در دوره ۱۹۵۹-۱۹۷۹ به حالت تعلیق درآمد انحصار PICC تا پایه‌گذاری بیمه‌گر دوم که شرکت بیمه گروه Xinjiang در سال ۱۹۸۶ بود ادامه داشت. در سال ۱۹۹۲ گروه بین‌المللی آمریکایی (AIG)[2] مجوز صدور بیمه‌نامه در شانگهای را کسب نمود که نشان می‌داد درهای بیمه چین به روی بیمه جهانی باز شد. ارائه‌دهندگان بیشتری مثل شرکت‌های محلی، شرکت‌های کاملاً متعلق به شرکت‌های خارجی، شرکت‌های بیمه مشارکتی، فعالیت را در چین به‌ویژه از زمان پیوستن چین به سازمان تجارت جهانی در سال ۲۰۰۱ شروع کردند. در مجموع ۶۱ شرکت بیمه تا پایان سال ۲۰۰۳ در بازار بیمه چین فعالیت می‌کردند.

1. People's Insurance Company of China (PICC)
2. American International Group (AIG)

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-17]

توسعه صنعت بیمه در چین از منظر آمار و گزارش‌های تحلیلی، نگاه عمیق‌تر و جامع‌تری را نسبت به این تحول قابل توجه به ما خواهد که در ادامه بدان اشاره خواهد شد.

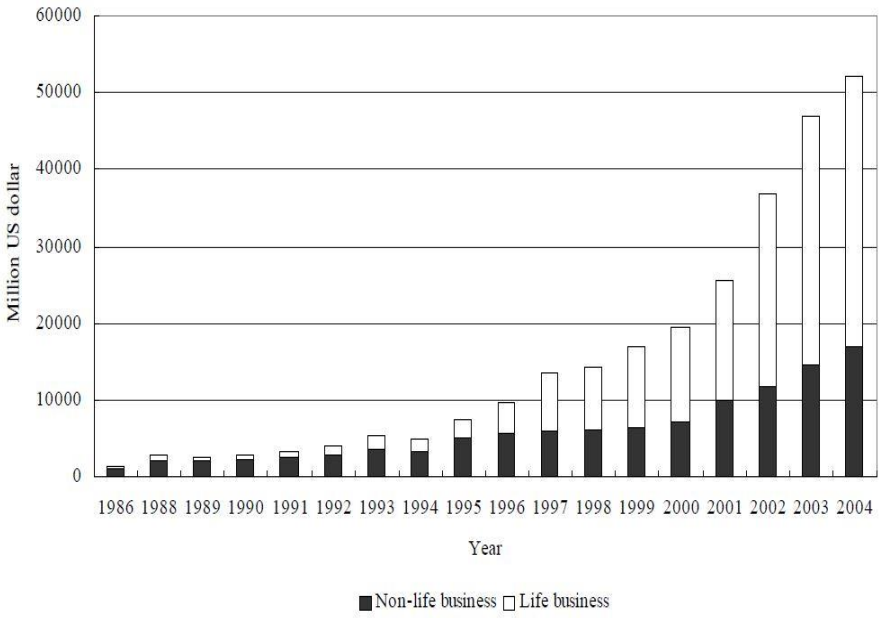

Source: Swiss Reinsurance Company, Sigma.

ملاحظه می‌گردد که شکاف بین حق بیمه زندگی با بیمه‌های غیرزندگی به طور معنی‌داری در حال افزایش است. این به دلیل اهمیت بیمه‌های زندگی در فرآیند توسعه صنعت بیمه در کشورهای پیشرفته و نوظهور است. بدیهی است پس از حداکثر رشد و رسیدن به حد اعلای توسعه‌یافتگی، روند رشد کاهش یافته و در مسیر رشد بلندمدت خود قرار خواهد گرفت.

رشد بیمه زندگی در چین قوی اما کندتر از روند اخیر انتظار می‌رود. حق بیمه زندگی در سال ۲۰۱۸ با ۵.۴ درصد نسبت به ۱۴ درصد ده سال گذشته است. فروش بیمه‌نامه‌های کوتاه‌مدت زندگی، به دلیل نظارت تنظیمی کاهش یافت. این سختگیری، هدف حاکمیت برای سوق دادن بازار به سمت محصولات حمایتی و مدیریت بهتر ریسک‌های مالی مرتبط با مدیریت دارایی را منعکس می‌کند.

در سال ۲۰۰۴ شرکت‌های بیمه زندگی، ۷۷.۵۹ درصد از کل حق بیمه در بازار چین را به خود اختصاص دادند. با گسترش روزافزون و توسعه‌ای صنعت بیمه در چین، مشارکت شرکت‌های بیمه خارجی نیز به طور قابل توجهی رو به گسترش است.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-17]

ارزیابی تراکم و نفوذ بیمه

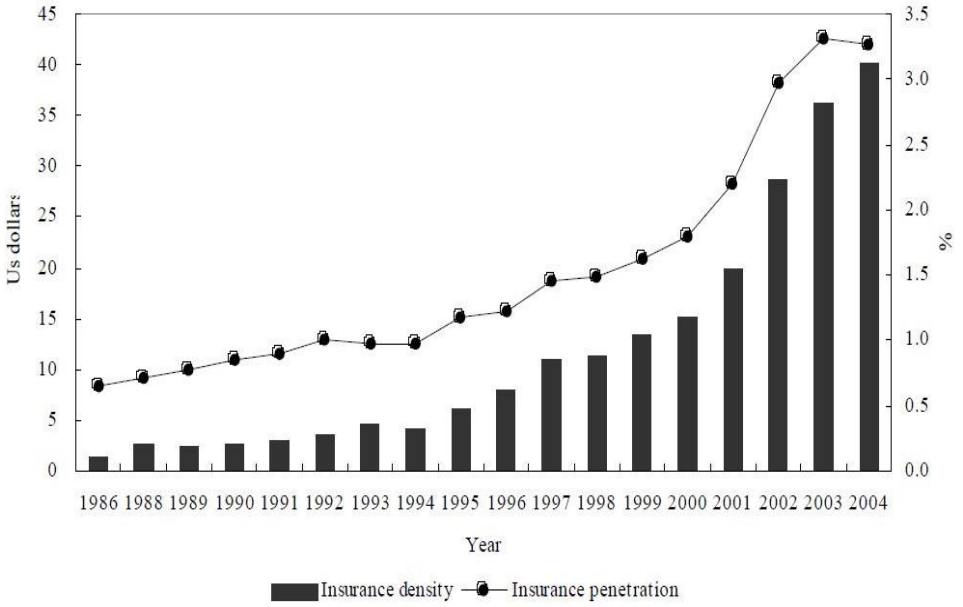

Source: Swiss Reinsurance Company, Sigma.

توسعه خیره‌کننده بیمه چین در دوره ۱۹۸۶ تا ۲۰۰۴ از نظر حق بیمه، تراکم بیمه و نفوذ بیمه و نیز وضعیت بیمه چین در مقیاس جهانی، از مهم‌ترین شاخص‌های توسعه‌یافتگی این کشور در حوزه‌های رفاه و توسعه انسانی نیز ارزیابی می‌گردد.

در فاصله سال‌های ۲۰۱۷ تا ۲۰۳۰ چین با رشد ۲۴۴ درصدی حق بیمه تولیدی، بیشترین رشد حق بیمه را تجربه خواهد کرد. درنتیجه تحولات فوق‌الذکر، حق بیمه تولیدی در کل دنیا نزدیک به دو برابر خواهد شد. این امر عمدتاً از رشد اقتصادی و بازار بیمه چین، آمریکای شمالی، اروپای غربی و آسیای خاوری و اقیانوسیه حاصل شده و نقش سایر مناطق در گسترش بازار بیمه اندک است.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-17]

Source: Hsbc Financial Group

در پایان سؤالی که مطرح می‌شود این است که چرا بیمه زندگی در چین به‌عنوان موتور پیشران صنعت بیمه، به طور معناداری توسعه داده شده است؟ در پاسخ می‌توان گفت از آنجا که چین موتور پیشران رشد اقتصادی دنیاست و برای کمک به توسعه بخش حقیقی اقتصاد که هدف اول چین بوده، تأمین مالی، رکن اصلی و حیاتی آن است، بنابراین بخش عمده‌ای از این تأمین مالی بزرگ می‌بایست از کانال بیمه زندگی صورت می گرفت.

۲-۵. جمع‌بندی گزارش‌های تحلیلی

در یکی از گزارش‌های معتبر بین‌المللی[1] که مبنای سیاست‌گذاری در کشورهای مختلف به‌ویژه نوظهورها قرار گرفته اشاره دارد که:

- ایران در حال اضافه شدن به جمع بازارهای نوظهور بزرگ است.[2]
- در ۲۰۳۰ بر اساس شاخص تولید ناخالص داخلی بر مبنای برابری قدرت خرید[3]، ایران رتبه ۱۶ را خواهد داشت که بالاتر از اسپانیا، کانادا، استرالیا و هلند قرار می گیرد (table 2, p.23)
- ایران با ۲/۵ درصد رشد درآمد سرانه واقعی، ۲/۶ درصد رشد ناشی از نرخ‌های مبادله‌ای بازار و ۵/۵ درصد رشد تولید ناخالص داخلی، در جمع ۱۱ کشور اول دنیا که همگی کشورهای نوظهور هستند و بالاتر از کشورهای پیشرفته قرار خواهد گرفت (table B2, p.69)

1. The Long View, How will the global economic order change by 2050? PWC, February 2017.
2. Bangladesh, Colombia, Egypt, Iran, Nigeria, Pakistan, the Philippines, Thailand, and Vietnam as additional relatively large emerging markets, P. 12.
3. GDP at PPP (Purchasing Power Parity).

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-17]

ملاحظه می‌گردد ایران که در یک مسیر رشد بلندمدت قرار گرفته، وارد باشگاه نوظهورها شده و لاجرم باید الزامات و شرایط خاص حضور در این سطح را برای تداوم رشد بلندمدت ایجاد و نهادینه نماید.

اما نکته مهمی که می‌توان در جمع‌بندی این بخش به آن اشاره کرد این است که اهمیت کشورهای نوظهور در تداوم و پشتیبانی از رشد بیمه در جهان به عنوان امری انکارناپذیر و قطعی پذیرفته شده است و عمده گزارش‌های مطروحه، مبنای تحلیل‌های خود را به بازارهای نوظهور اختصاص داده‌اند.

بنابراین می‌توان از مجموع تحلیل‌های مورد اشاره نتایج به شرح زیر را ارائه نمود:

۱. نوظهورها آینده اقتصادی دنیا را در سیطره خود قرار خواهند داد و اساساً رشد آتی جهان وابستگی شدیدی به آن‌ها دارد.
۲. بازارهای نوظهور متضمن تداوم رشد بلندمدت بیمه می‌باشند.
۳. توجه و حمایت جدی بازارهای نوظهور قدرتمند که بخش عمده رشد بیمه را پشتیبانی می‌کنند، معطوف به توسعه بیمه‌های زندگی به عنوان رکن اصلی و موتور محرکه صنعت بیمه، در سطح داخل، بازارهای منطقه‌ای و جهانی است.
۴. ایران که پا به عرصه بازارهای نوظهور گذاشته، ناگزیر به رشد و توسعه فراگیر بیمه‌های زندگی به عنوان یکی از الزامات حضور قدرتمند و پایدار در جریان اصلی اقتصاد آینده جهان که متعلق به نوظهورها است، خواهد بود.
۵. پیشرفت معنادار صنعت بیمه چین به‌عنوان کشوری که محرک و لوکوموتیو رشد اقتصاد و صنعت بیمه دنیا است، بر مبنای توسعه فراگیر و قدرتمند بیمه‌های زندگی شتاب گرفته که خود گواه متقنی برای توجه جدی و راهبردی به سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی عملیاتی برای گسترش همه‌جانبه بیمه‌های زندگی به منظور رشد ضریب نفوذ بیمه در کشور است.

۳. تبیین نظری وجوه توسعه‌ای بیمه زندگی

رویکردهای توسعه‌ای به پدیده‌های مختلف، ابعاد متنوعی از وجوه و ظرفیت‌های بالقوه پدیده مورد بررسی را به فعلیت رسانده و علاوه بر کنش‌های معمول در تعاملات اقتصادی، مبادلات متأثر در سایر حوزه‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی را تبیین و نهادینه می‌نماید. به عبارت بهتر، بر خلاف رویه‌های مرسوم که توجه اصلی‌اش به کنش‌های اقتصادی معطوف به مکانیسم بازار و نگاه حداقلی

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-17]

به سایر ابعاد محیطی و پیرامونی است، نگرش توسعه‌ای، ابعاد متکثری از فرآیندها و مبادلات را در گستره کنش‌های جمعی و نهادهای مربوطه مورد توجه و بازطراحی قرار می‌دهد.

بر این اساس تقابل نظری در حوزه سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی‌های راهبردی در کشورهای درحال‌توسعه، بر پذیرش و تسلط یکی از این دو جریان فکری (طرفداران رویه‌های مرسوم و پارادایم جریان اصلی و اندیشمندان توسعه) متمرکز است که البته در کشور ما اغلب جریان اول غالب و مسلط بوده است.

تحقیق حاضر به دنبال نقد و اثبات تفکرات مطروحه نیست و سعی دارد با طرح موضوعات مفید و مؤثر از هر دو جریان برای رشد و گسترش بیمه‌های زندگی در کشورمان، به یک نگرش توسعه‌دهنده در برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری راهبردی نهاد حاکمیت دست یابیم. بنابراین در این بخش برخی از وجوه توسعه‌ای بیمه‌های زندگی را به اختصار مورد اشاره قرار می‌دهیم.

۳-۱. توسعه انسانی

اثرات اقتصادی توسعه بیمه‌های زندگی در سبد خانوارها، منحصر به رویه‌های روتین کلاسیک در الگوهای نظری، مربوط به جریان سرمایه‌گذاری و تولید ناخالص ملی نیست، بلکه از مسیرهای دیگری که به طور مستقیم و غیرمستقیم دارای اثرات به‌مراتب فزاینده‌تری است، تولید ملی را افزایش می‌دهد. نکته اصلی این است که توجه به ابعاد توسعه انسانی در پدیده‌های اقتصادی به طور عام و بیمه‌های زندگی به طور خاص، نه‌تنها تبیین‌کننده علل و عوامل توسعه آن در جامعه است بلکه می‌تواند راه‌حل‌های ریشه‌ای و مبتنی بر واقعیتی را برای رفع موانع موجود نیز ارائه کند.

در نگرش توسعه‌ای شاخص‌هایی معرفی می‌گردند که دربرگیرنده ابعاد انسانی و تبیین‌کننده تأثیر آن‌ها بر رشد اقتصادی است. شاخص‌هایی مانند؛ دموکراسی، امنیت، توسعه انسانی، خوش‌بینی، کیفیت زندگی و... نشان‌دهنده نوعی نگاه جامع و فراگیر از تغییرات فرآیندی توسعه، ناشی از تحولات پارامترهای انسانی و فراتر از متغیرهای اقتصاد کلان است. بر اساس شاخص توسعه انسانی و نیز سایر شاخص‌های توسعه‌ای دیگری که به طور مستقیم و غیرمستقیم، آثار تبلور نیروی درونی انسانی را در فرآیندهای توسعه به طور عام و توسعه اقتصادی، به طور خاص، مورد توجه قرار می‌دهند، انسان، محرک اصلی و هدف غایی آن خواهد بود. تغییر در نگرش‌های ذهنی و باورهای انسان، منشأ چنان تغییرات شگرفی است که در ادبیات توسعه اقتصادی از آن با عناوینی همچون؛

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-17]

خلاقیت، نوآوری، کارآفرینی و ... یاد می‌شود که حتی در الگوهای کلان رشد اقتصادی، در پارادایم اقتصاد نئوکلاسیک، به عنوان متغیرهای برون‌زای الگو، ذیل متغیرهای بهره‌وری و تکنولوژی، عامل اصلی رشد و جهش‌های اقتصادی، الگوسازی و پیش‌بینی می‌شود. بنابراین پرواضح است که سرمایه انسانی در نگرش توسعه‌ای، بسیار فراتر از سرمایه‌گذاری و پس‌انداز فیزیکی در الگوهای اقتصاد مرسوم، بر تولید ملی اثرگذار خواهد بود و علاوه بر آن ابعاد اجتماعی، فرهنگی، حقوقی و سیاسی را نیز در چارچوب تحلیل‌های نهادی، متأثر خواهد نمود. حال با این دیدگاه جامع‌نگر، می‌توان نقش بیمه‌های زندگی را بر تولید ملی، پررنگ‌تر و راهبردی‌تر، ارزیابی کرد.

کاردگر و احراری (۱۳۹۳)، به این نتیجه رسیدند که علیت غیرخطی بین شاخص توسعه انسانی و سرانه بیمه زندگی، دوطرفه است که این خود بیانگر اثرات توسعه‌ای بیمه زندگی است چراکه وجود تأثیرات متقابل بیمه زندگی و شاخص توسعه انسانی، در قالب روابط علی، نگرش‌های توسعه‌ای را تأیید می‌نماید. می‌توان این‌گونه تحلیل کرد که تقویت بنیان‌های گسترش بیمه‌های زندگی، در مراحل تکاملی توسعه اقتصادی، آثار متفاوتی را به دنبال خواهد داشت. بدیهی است در کشور ایران که سیاست‌های توسعه بیمه زندگی مراحل ابتدایی رشد خود را شروع کرده، اثرات توسعه انسانی آن به‌مراتب تبلور بیشتری را به دنبال خواهد داشت.

۳-۲. سرمایه اجتماعی

زبیری، متوسلی و احراری (۱۳۹۵)، با بررسی آثار توسعه‌ای بیمه‌های زندگی بر انسجام اجتماعی یادآور می‌شوند که گسترش بیمه‌های زندگی علاوه بر آثار مستقیمی که بر رشد و توسعه اقتصادی جوامع دارد، با کاهش فقر و نابرابری و افزایش امنیت اجتماعی و درنتیجه افزایش نظم و انسجام اجتماعی به‌طور غیرمستقیم نیز نقش مهمی در مسیر دست‌یابی به توسعه اقتصادی ایفا می‌کند. چراکه نظم و انسجام اجتماعی در هر جامعه‌ای موجب کاهش ریسک، کاهش نااطمینانی، افزایش اعتماد، گسترش ارتباطات و تعاملات بین بنگاه‌ها و گروه‌های مختلف اجتماعی و همچنین افزایش امنیت دارایی‌های فیزیکی و ذهنی افراد می‌شود و در نتیجه اولین شالوده و پایگاه برای فعالیت‌های مولد و نوآوری‌هایی می‌شود که به جای حرکت در مسیر جریان عادی، موجب جهش‌های اقتصادی

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-17]

می‌گردد. لذا، توجه به بیمه‌های زندگی نه‌تنها تبیین‌کننده علل و عوامل توسعه آن در جامعه است بلکه می‌تواند راه‌حل‌های ریشه‌ای و مبتنی بر واقعیتی را برای رفع موانع موجود نیز ارائه کند.

۳-۳. توسعه ظرفیت

فرآیندهای توسعه از طریق ایجاد و گسترش ظرفیت‌های موجود در هر جامعه‌ای صورت می‌گیرد که مهم‌ترین و اصلی‌ترین آن توسعه ظرفیت حداکثری نیروی انسانی است که محور تمامی برنامه‌های توسعه است.

از طرف دیگر نیروی انسانی، یک فرآیند تکاملی را از یک عامل فیزیکی تولید تا سرمایه انسانی در تحلیل‌های رشد اقتصادی مبتنی بر مدل‌های اقتصاد مرسوم طی کرد تا الگوهای رشد مطلوب برای پیشرفت کشورها احصا شده و به مورد اجرا درآید. با این حال این مدل‌ها قادر نبودند تفاوت میان رشد اقتصادی کشورها را به‌خوبی تشریح نمایند و راز تغییرات و تفاوت توسعه‌یافتگی جوامع از این طریق امکان‌پذیر نشد.

یک نکته در مورد تفاوت رشد و توسعه ضروری است. میر در تعریف توسعه آن را رشد همراه با تغییرات فنی، ارزشی و نهادی معرفی می‌کند و لذا تأکید بر تغییرات نهادی به منظور دستیابی به رشد اقتصادی عملاً پدیدآورنده توسعه در کشورهاست.

روند تکامل در نظریه‌های رشد باعث شده است که اکنون تمرکز توجهات بر روی نهادها باشد و حتی اندیشمندانی نیز که برای تبیین تفاوت میان رشد اقتصادی کشورها به موضوعاتی مانند مالیات، تکنولوژی و سرمایه انسانی توجه می‌کنند، باید به این نکته دقت نمایند که تفاوت میان این عوامل در کشورها به دلیل تفاوت در نهادهاست (طیب نیا و نیکونسبتی، ۱۳۹۲).

آسم اوغلو و رابینسون (۲۰۱۰)، معتقد هستند نهادهای اقتصادی برای رشد اقتصادی مهم هستند، زیرا انگیزه کنشگران اصلی اقتصادی را شکل می‌دهند و در واقع آن‌ها به طور ویژه بر سرمایه‌گذاری در منابع فیزیکی، انسانی، تکنولوژی و همچنین سازمان‌های تولید اثر می‌گذارند. این نهادها نه‌تنها بر عملکرد اقتصادی، بلکه بر نحوه توزیع درآمد نیز تأثیر می‌گذارند. آن‌ها در خصوص نحوه شکل‌گیری نهادها به این مسئله اشاره می‌کنند که گرچه تاریخ و حتی شانس در این میان مؤثر بودند، اما نهادها حاصل انتخاب جمعی جامعه هستند (طیب نیا و نیکونسبتی، ۱۳۹۲).

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-17]

این مهم که راز توسعه‌یافتگی جوامع پیشرفته را آشکار می‌کند، از طریق ایجاد و توسعه ظرفیت‌های جامعه با تمرکز بر توسعه ظرفیت حداکثری سرمایه انسانی در بستر نهادهای توسعه‌ای حاصل می‌شود. نکته مهم‌تر اینکه بر اساس نظر اندیشمندان فوق‌الذکر، توان کشورهای درحال‌توسعه به‌واسطه ظرفیت عظیم سرمایه انسانی جوان و تحصیل‌کرده (و بامهارت)، به‌مراتب فزون‌تر نیز خواهد گردید مشروط به اینکه توسعه ظرفیت در بستر نهادهای توسعه‌ای، حداکثر کارایی را به همراه داشته باشد (طیب نیا و نیکونسبتی، ۱۳۹۲).

با رویکرد توسعه ظرفیت حداکثری در بستر نهادهای توسعه‌ای به منظور تأمین آتیه آینده‌سازان کشور، از طریق ارتباط و همسویی ۳ جریان اصلی به شرح زیر، یک شاهرگ حیات‌بخش ایجاد می‌گردد:

۱. انباشت سرمایه انسانی: تبلور وجوه بالقوه انسانی در پرتو آرامش ذهنی و فکری، منجر به تحولات عظیمی می‌شود که در ادبیات اقتصادی از آن به عنوان توسعه پایدار و همه‌جانبه یاد می‌شود و این فقط در پناه نهاد توسعه‌ای مانند بیمه زندگی، تحقق می‌یابد. بنابراین رابطه درهم‌تنیده‌ای بین رشد و هم‌افزایی سرمایه انسانی با تحکیم بنیان‌های نهاد بیمه ایجاد می‌گردد.
۲. انباشت سرمایه مالی: انتقال ترجیحات مصرفی به جریان پس‌انداز آتی و سرمایه‌گذاری حال و آینده و ایجاد یک مجموعه پویا و پایدار تأمین مالی به منظور سرمایه‌گذاری در حوزه‌های زیرساختی میان‌مدت و نیز حوزه‌های خاص نسل‌های مختلف.
۳. توسعه نهاد بیمه: رشد جریان بیمه‌های زندگی به عنوان مهم‌ترین و بزرگ‌ترین بخش صنعت بیمه در دنیا و تأثیرات متعدد آن

این نکته مهمی است که بسیاری از عوامل اثرگذار، منبعث از نوعی ترتیبات نهادی هستند که ترجیحات و ترکیبات متنوعی از تأثیرات را به دنبال دارند که شامل طیف گسترده‌ای از عوامل اجتماعی، فرهنگی، ارزشی، حقوقی و ... می‌باشند. بنابراین هریک از جریان‌های ۳ گانه و البته شاهرگ ایجادشده فوق‌الذکر، دارای آثار چندوجهی و میان‌رشته‌ای می‌باشند که آثار و برکات متعدد مادی و معنوی را در بر خواهند داشت.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-17]

٤. توجه به نهادها در تبیین فرآیندهای توسعه

توجه به سرمایه اجتماعی، زمینه خوبی بود تا جهت‌گیری به سوی اثر ارزش‌ها، هنجارها و سایر عوامل غیراقتصادی بر عملکرد اقتصادی جلب شود. از سوی دیگر، انتشار کتاب داگلاس نورث[1]، برنده جایزه نوبل و پیشرو نهادگرایان جدید، با عنوان نهادها، تغییرات نهادی و عملکرد اقتصادی در سال ۱۹۹۰، گام مهمی در جهت بررسی تأثیر نهادها بر عملکرد اقتصادی بود. همگام با این تحول، اعطای جایزه نوبل در سال ۱۹۹۲ به رونالد کوز و در سال ۱۹۹۳ به داگلاس نورث سبب شد، توجه بیش از پیش به اثر نهادها بر رشد اقتصادی و توسعه اقتصادی جلب شود. در هزاره سوم شمار فزاینده‌ای از اندیشمندان از جمله باردهان[2] (۱۹۸۹)، رودریک[3] (۱۹۹۹)، آسم اوغلو و همکاران[4] (۲۰۰۱) ایسترلی[5] (۲۰۰۶)، گریف[6] (۲۰۰۶)، آلگان و کاهوک[7] (۲۰۰۷)، فرونی و همکاران[8] (۲۰۰۸)، شرلی[9] (۲۰۰۸) و نورث[10] و همکاران (۲۰۰۹) برای تبیین علل رشد و توسعه اقتصادی کشورها به عملکرد نهادهای اجتماعی این کشورها توجه می‌کنند. وجود جامعه نسبتاً منسجم، اعتماد و همکاری‌های اجتماعی، نهادهای اجتماعی کاهش‌دهنده ریسک و اداره‌کننده تقابل‌های اجتماعی و مواردی از این قبیل همگی ترتیباتی اجتماعی هستند که اقتصاددانان معمولاً آن‌ها را داده شده فرض می‌کنند، در حالی که فقدان آن‌ها در کشورهای درحال‌توسعه کاملاً آشکار است. در نتیجه در شرایط فقدان انسجام اجتماعی و نهادهای مناسب در این کشورها، برنامه‌ها و سیاست‌های اقتصادی نتایج مطلوبی به بار نمی‌آورند. از این رو، رویکرد نهادی بر اساس فرآیند شکل‌گیری واقعیت نتیجه می‌گیرد که برای تغییر واقعیت توسعه‌نیافتگی، تحلیل باید از سطح جامعه آغاز گردد و به بررسی تأثیر متقابل ترتیبات اجتماعی، نهادها و تأثیرشان بر عملکرد اقتصادی بپردازد (متوسلی و همکاران ۱۳۸۷).

1. Douglass North
2. Bardhan
3. Rodrik
4. Acemoglu, Johnson, Robinson
5. Easterly
6. Grief
7. Algan and Cahuc
8. Ferroni et al.
9. Shirley
10. North et al.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-17]

درنهایت باید به این نکته مهم اشاره نمود که: بی‌شک فرآیند توسعه بدون همیاری و همراهی مردم عقیم می‌ماند. این یک اصل پذیرفته شده نزد صاحب‌نظران و نظریه‌پردازان امر توسعه است که بر اساس جمیع شواهد تجربی اثبات شده است. هرگونه برنامه‌ریزی توسعه بدون در نظر گرفتن ملاحظات انسانی و گستره مردمی آن، ضد توسعه و مخرب خواهد بود. به عبارت بهتر شرط لازم برای تحقق اهداف توسعه‌ای رضایت مردم از برنامه‌ها و نحوه اجرای آن است به طوری که تکیه صرف به شاخص‌های کمی و مجرد از شاخص‌های کیفی رضایت‌مندی قاطبه عموم، عملاً برنامه‌ریزی و تحلیل‌های مربوطه را مخدوش و فاقد واقع‌بینی‌های اساسی خواهد کرد.

علاوه بر این، در دهه‌های اخیر سیاست‌های عدالت گرا به طور شاخصی بر سیاست‌های رشدگرا، بخصوص در کشورهای درحال‌توسعه که حجم عظیمی از مردم را افراد کم‌درآمد تشکیل می‌دهند، ترجیح یافته است. مهم‌ترین دلیل آن شکاف درآمدی، ایجاد فقر گسترده و بیکاری است که مشکلات فرهنگی – سیاسی را نیز ایجاد کرده است.

۵. نقش نهاد حاکمیت در توسعه بیمه‌های زندگی

مسئله تغییر اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، از بزرگ‌ترین چالش‌های همه اندیشمندان و سیاستمداران دلسوز بوده است. تمام پیشگامان و رهبران موفق سیاسی راهبرد «تغییر» را اولویت ذهنی و کاری خود قرار داده‌اند. برای تغییر باید انواع ساختارها، سازمان‌ها، نهادها و ترتیبات نهادی موجود را بشناسیم و بعد با داشتن جایگزین‌های مولد و مناسب شروع به حرکت کنیم. روشی که مثلاً چینی‌ها شروع کردند یکی از این راه‌ها است. آن‌ها با خصوصی‌سازی شروع نکردند بلکه بر اساس اصول و قواعد حاکم بر بازارهای بین‌المللی و ویژگی‌های فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی خود ساختارهای جدیدی ایجاد کردند، این ساختارها و سازمان‌های جدید آن‌قدر رشد و توسعه پیدا کرد که ساختار و سازمان‌های قبلی را کاملاً تغییر داد و نهادها و ترتیبات تحول‌یافته منظم و هدفمند جدیدی را پایه‌گذاری کرد.

مکتب نهادگرای قدیم (کامونز، ۱۹۳۴)، مطرح می‌کند، اگر قوانین و مقررات ریشه در نیازها، فرهنگ و ارزش‌های نهادینه شده مردم نداشته باشد، در عمل فاقد ضمانت لازم اجرایی خواهد بود.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-17]

به عبارت دیگر باید قوانین و مقررات ترغیب‌کننده[1] باشد. کار دولت این است که منافع بخش خصوصی را با منافع عمومی سازگار کند. پس ریشه قوانین و مقررات باید از خود آن‌هایی گرفته شود که عامل‌اند نه کسی که در آن حیطه و حوزه تخصصی، دانش عملی ندارد. این همان توسعه نهادهای فراگیر اجتماعی و اقتصادی برای دستیابی به حداکثر منافع مشترک ملی و البته درون‌زا است.

۵-۱. ضرورت توجه به رویکردهای بدیل در سیاست‌گذاری

رویکردهای بدیل یا همان هترودوکس، مجموعه ای از پارادایم‌ها[2] هستند که فروض، نظریه‌ها و به تبع آن توصیه‌های سیاستی متفاوتی با پارادایم کلاسیک دارند. این پارادایم‌ها طیف وسیعی را شامل می‌شوند که در سال‌های اخیر مورد توجه بیشتر نهادهای علمی و حتی سیاست‌گذاری جهانی مانند بانک جهانی قرار گرفته‌اند. شاهد این مسئله نیز در زمینه علمی گسترش رویکردهای بدیل در بسیاری از دانشگاه‌های مطرح جهان و همچنین اعطای جوایز متعدد نوبل در سال‌های اخیر به اندیشمندانی است که در زمینه‌هایی مانند اقتصاد نهادی، اقتصاد آزمایشگاهی و اقتصاد رفتاری مشغول به تحقیق و پژوهش هستند. در عرصه سیاست‌گذاری نیز مجموعه رویکردهای اخیر بانک جهانی و سایر مراکز بین‌المللی که بر اهمیت توجه به نهادها برای سیاست‌گذاری تأکید می‌کنند شاهدی بر این مدعا است. اما ضرورت توجه به رویکردهای بدیل برای سیاست‌گذاری چیست؟ این مسئله‌ای است که در ادامه به آن خواهیم پرداخت.

۵-۲. از نظریه‌ها تا نتایج سیاست‌ها

برای درک بهتر لزوم توجه به رویکردهای بدیل در زمینه سیاست‌گذاری لازم است ابتدا نگاهی به ارتباط میان نظریه‌ها، سیاست‌ها و نتایج بیندازیم. برای درک بهتر این مسئله مجموعه این فرایند را به شکل ذیل نمایش می‌دهیم.

---

1. Persuasive

۲. منظور از پارادایم، مجموعه ای از مفروضات کلی نظری و قوانین و فنون کاربرد آن‌ها است که اعضای یک جامعه علمی خاص خاص آن را پذیرفته‌اند و برای بررسی مسائل مختلف بر اساس آن عمل می‌کنند

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-17]

نمودار ارتباط میان نظریه‌ها، سیاست‌ها و نتایج آن‌ها

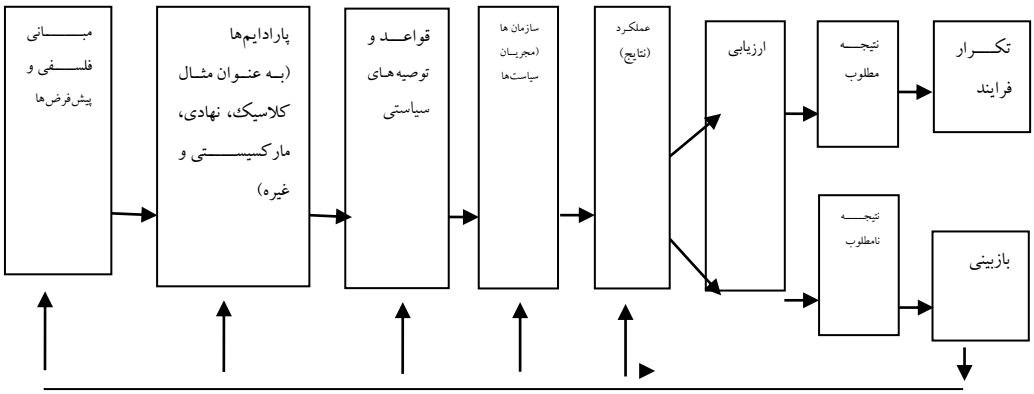

در تبیین نمودار فوق باید گفت هر نظریه‌پردازی بر مبنای مجموعه ای از پیش‌فرض‌ها استوار است به عنوان مثال اعتقاد به وجود قانون طبیعی اساس اندیشه بسیاری از نظریه‌های کلاسیک در علوم انسانی را تشکیل می‌دهد یا اعتقاد به تکامل دیالکتیکی اساس نظریه مارکسیستی است. فوکو این بخش از نظریه‌ها را به‌خوبی تشریح می‌نماید:

آنچه من در پی انجام دادنش هستم آشکار ساختن ناخودآگاه مطلق دانایی است، سطحی که از آگاهی دانشمند می گریزد اما بخشی از گفتمان علمی است. آنچه نقطه مشترک تاریخ طبیعی، اقتصاد و دستور کلاسیک است به‌راستی در آگاهی دانشمندان آن دوره حضور ندارد اما طبیعی‌دان‌ها، اقتصاددان‌ها و علمای علم دستور زبان قواعدی را که از آن آگاهی ندارند به کار می گیرند تا حیطه مورد نظر خویش را تعریف کنند، مفاهیم خویش را شکل بخشند و نظریه‌های خویش را بسازند و همین قواعد تشکیل است که گرچه فی‌الواقع تدوین نمی‌شود اما بنیان نظریه‌ها، مفاهیم و موضوعات مورد بحث و مطالعه متفاوتند (فوکو، ۱۹۷۰، xi).

مبانی فلسفی، اساس شکل گیری پارادایم‌ها هستند و در واقع، هر پارادایمی با توجه به مبانی فلسفی خود به تبیین مسائل گوناگون می‌پردازد. منظور ما از پارادایم نیز در اینجا همان مفهوم مورد نظر کوهن است. بر این اساس پارادایم را مجموعه ای از مفروضات کلی نظری و قوانین و فنون کاربرد آن‌ها در نظر می گیریم که اعضای یک جامعه علمی خاص آن را پذیرفته‌اند. به عنوان مثال، اقتصاد کلاسیک یک پارادایم است که اقتصاددانان کلاسیک با توجه به پیش‌فرض‌هایی مانند وجود قانون طبیعی و سودمندی رقابت، آن را طراحی کردند. دانشمندانی که به این پارادایم معتقد

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-17]

هستند، با توجه به نظریه‌های آن به تبیین مسائل می‌پردازند. مثلاً دانشمندان کلاسیک، کندی رشد اقتصادی را با دلایلی مانند ناکافی بودن سرمایه‌گذاری، فقدان رقابت، موانع تجاری و مانند آن تبیین می‌کنند.

این پارادیم‌ها مبنایی برای سیاست‌گذاری است و در مرحله بعد، اندیشمندان و سیاست‌گذاران با توجه به این پارادایم‌ها، قواعد و قوانینی را پایه‌گذاری می‌کنند که توصیه‌ها و تجویزهای سیاستی از آن‌ها اخذ می‌گردد. در واقع، اگر سیاست‌گذاری را طبق تعریف عمومی آن تلاشی به منظور رسیدن از وضع موجود به وضع مطلوب تعریف کنیم، نکته‌ای که باید مورد توجه قرار گیرد، آن است که هر نوع سیاست‌گذاری و توصیه‌های سیاستی بر اساس آموزه‌هایی مشخصی انجام می‌شود که اندیشمندان آن حوزه به آن‌ها باور دارند.

اجرای سیاست‌ها عمدتاً بر عهده مجموعه ای از افراد و سازمان‌ها است که بازوی اجرایی سیاست‌گذاران محسوب می‌شوند. داگلاس نورث برنده جایزه نوبل اقتصاد در سال ۱۹۹۳، تعریف بسیار جالبی از سازمان‌ها ارائه می‌کند. به اعتقاد وی سازمان‌ها از مجموعه ای از افراد تشکیل یافته‌اند که حول هدف مشترکی برای رسیدن به اهداف معینی متحد شده‌اند.

اما نکته مهم دیگری که وی یادآور می‌شود این است که سازمان‌ها از مجموعه‌ای از افراد تشکیل یافته‌اند که حول هدف مشترکی برای رسیدن به اهداف معینی متحد شده‌اند در واقع، اعتقاد به هدف مشترک، عنصر بسیار مهمی در سازمان‌ها محسوب می‌شود. اینکه مجریان یک سیاست خود به برنامه‌ای که درصدد اجرای آن هستند، اعتقاد داشته باشند نکته بسیار مهمی است.

حاصل این فرآیند، نتایجی است که به طور عینی در جامعه بروز می‌یابد. این نتایج یا مطلوب هستند که در نتیجه به عنوان مشوقی به منظور ادامه روند کنونی عمل می‌کنند یا نامطلوب هستند که باعث بازبینی در مراحل فوق می‌شوند. البته این بازبینی سطوح مختلفی را شامل می‌شود که در ادامه مورد بحث قرار می‌گیرد.

آنچه بیان شد، شرح مختصری از مراحلی است که از نظریه‌پردازی تا سیاست‌گذاری وجود دارد. اما سؤال اساسی که وجود دارد، این است که اگر یک در جامعه مشکلی وجود داشته باشد، چه باید کرد؟ به عنوان مثال، اگر تورم، اشتغال و غیره سال‌ها مشکل اساسی کشور باشد و با وجود سیاست‌گذاری‌های مختلف حل نشده باشد چه باید کرد؟

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-17]

آنچه معمولاً در اقتصاد مرسوم مورد توجه قرار می‌گیرد، توجه به قواعد و توصیه‌های سیاستی یا نحوه اجرای آن توسط مجریان یا همان سازمان‌ها است. به عنوان مثال، با شکست در سیاست‌های افزایش نرخ رشد اقتصادی، در درجه اول خود سیاست‌ها یا عملکرد بد سازمان‌ها به عنوان مجریان سیاست‌ها مورد سؤال قرار می‌گیرد و در موارد اندکی، به بازبینی در قواعد و قوانین (قواعد بازی) توجه می‌شود. عموماً کمتر پیش می‌آید که پارادایم‌ها مورد سؤال قرار گیرند.

اما واقعیت آن است که مشکلات همیشه به این شیوه قابل حل نیست و در مواردی ضروری است که پارادایم‌ها هم مورد بررسی مجدد قرار گیرند.

برای درک بهتر مطالب فوق توجه به یکی از مهم‌ترین رویدادهای تاریخ علم مفید به نظر می‌رسد. اندیشمندان قرون وسطی برای توضیح حرکت اجرام آسمانی از پارادایم ارسطویی و بطلمیوسی استفاده می‌نمودند. بر این اساس زمین در مرکز عالم قرار داشت و سایر اجرام آسمانی دور آن می گشتند. اما کپرنیک در قرن شانزدهم این پارادایم را مورد انتقاد قرارداد و پارادایم جدیدی مطرح نمود که شامل فروض و نظریه‌های متفاوتی بود. بر این اساس خورشید در مرکز منظومه شمسی قرار گرفت و مجموعه‌ای از تلاش‌های علمی جهت تبیین حرکت سیارات و کرات دیگر آغاز شد (چالمرز، ۱۳۷۹، ۸۶-۸۵). در واقع در این دو پارادایم به مسائل متفاوتی توجه می‌شد و نظریه‌های متفاوتی جهت تبیین مسائل مورد توجه قرار می‌گرفت. نکته مهم آن است که با ارائه پارادایم کپرنیکی بسیاری از مسائلی که در پارادایم ارسطویی غیرقابل حل بود یا به آن توجه نمی‌شد، حل شد.

لزوم توجه به رویکردهای بدیل نیز به مانند همین تغییر پارادایمی در نجوم است. تا زمانی که در نجوم بر اساس پارادایم ارسطویی نظریه‌پردازی می‌شد بسیاری از مسائل غیر قابل تبیین بودند. در مباحث توسعه نیز این مسئله وجود دارد. در واقع در پارادایم نئوکلاسیک به بسیاری از مسائل مانند نقش فرهنگ، ارزش‌ها، وضعیت خاص سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کشورها بی‌توجهی و یا کم‌توجهی می‌شود. این مسئله باعث می‌شود بسیاری از مشکلات لاینحل باقی بمانند.

نمونه بارز این توجه را می‌توان در ارزیابی‌ای که توسط بانک جهانی با عنوان «رشد اقتصادی در دهه ۹۰: یادگرفتن از یک دهه اصلاح» منتشر شده است مشاهده کرد که بیان می‌دارد: (احراری، متوسلی و نیکونسبتی، ۱۳۹۶).

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-17]

پیام اصلی این گزارش این است که هیچ مجموعه جهانی یکسانی از قواعد وجود ندارد که رشد اقتصادی پایدار را ایجاد نماید. رشد پایدار بستگی به عوامل مهمی دارد که لازم است در طول زمان به آن دست یافت ازجمله انباشت سرمایه فیزیکی و انسانی، کارآمدی در تخصیص منابع، به روز شدن تکنولوژی و تقسیم منافع رشد. هرکدام از این موارد در هر زمانی بسیار مهم است. بنابراین ما به سیاست‌هایی نیاز داریم که به این موارد توجه کند و نهادهایی برای دستیابی به این موارد باید خلق شوند، در نتیجه متغیرهایی که باید به آن توجه شود بسته به شرایط اولیه و میراث تاریخی متفاوت خواهد بود. بنابراین لازم است که ما فرمول‌بندی و جستجو برای بهترین عمل را که گمراه‌کننده هستند کنار بگذاریم و بر تحلیل عمیق اقتصاد به منظور شناسایی موانع رشد تمرکز نماییم. انتخاب سیاست‌های مشخص و اصلاح نهادی باید در این توصیه‌ها لحاظ شود (گزارش بانک جهانی: رشد اقتصادی در دهه ۹۰: یادگرفتن از یک دهه اصلاح،۲۰۰۵، xiii).

بنابراین تغییر نگرش در تبیین جایگاه و نقش نهاد حاکمیت در فرآیندهای توسعه برای بهره‌مندی از ظرفیت‌های بالقوه رشد و گسترش بیمه‌های زندگی امری اجتناب‌ناپذیر به نظر می‌رسد.

۵-۳. وجوه توسعه‌ای اقتصادهای نوظهور

همچنان که عنوان شد آثار بی‌بدیل و تعیین‌کننده بازارهای نوظهور در تحولات اقتصادهای داخلی، منطقه‌ای و جهانی، نقش سیاست‌گذاری نهاد حاکمیت را هم در کشورهای نوظهور و هم در کشورهایی که در حال پیوستن به باشگاه نوظهورها می‌باشند، به طور قابل توجهی افزایش داده است. نکته مهم اینکه در مراحل رشد اولیه و ورود به این باشگاه، نقش حمایتی، هدایتی و حاکمیتی دولت‌ها بسیار پررنگ و تأثیرگذار است به طوری که مباحث نظری مداخله دولت در بازار از مکانیسم‌های پارادایم اصلی عبور کرده و تقریب واقعی‌تری را با شرایط و روندهای تکاملی بازارهای نوظهور ایجاد نموده که به یک نمونه آن در حوزه مورد بحث یعنی بیمه‌های زندگی اشاره شد.

٦. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

توافق نظری پارادایم‌های مختلف در توسعه بیمه‌های زندگی همراه با تجربه‌های پیشین کشورهای پیشرفته و جریان قدرتمند و پیشرو باشگاه نوظهورها در دنیای امروز، اهمیت برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری خاص برای تحول در بیمه‌های زندگی که توسط نهاد دولت هدایت، حمایت و

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-17]

راهبری گردد، فراتر از نقش حال حاضر نهاد حاکمیت را می‌طلبد. پرواضح است که تحول چشمگیر در صنعت بیمه به‌واسطه رشد و گسترش معنادار بیمه‌های زندگی رخ خواهد داد و این اصل بنیادی نگرش تحول‌گرا در صنعت است که بدون آن، اساساً تحول یک دیدگاه انتزاعی خواهد بود. بررسی ظرفیت‌های علمی، دانش حرفه‌ای و تجربه فرآیندهای قانون‌گذاری، نظارت، تنظیم بازار و از همه مهم‌تر توان کارشناسی و ظرفیت بالای سرمایه انسانی موجود در صنعت (بیمه مرکزی، شرکت‌های بیمه، سندیکای بیمه گران و ...)، نهادهای زیرساختی توسعه و تحول نظام بیمه کشور خواهند بود. سیاست‌گذاری‌های معطوف به تحول مذکور که از حمایت همه‌جانبه حاکمیت (دولت، مجلس و ...) بهره‌مند می‌شود، نه‌تنها از ظرفیت مؤثر سرمایه انسانی صنعت که بنیان نرم‌افزاری تحول بزرگ می‌باشند بهره‌برداری حداکثری می‌گردد، بلکه سرمایه عظیمی برای انتقال دانش به نسل جوان حال (در حال ورود) و آینده صنعت بیمه نیز خواهند بود.

از دیگر آثار مهم تغییر نگرش به توسعه بیمه‌های زندگی، می‌توان به همسویی و هم‌افزایی منافع نهاد حاکمیت، شرکت‌های بیمه و سایر بازیگران بازار بیمه اشاره کرد. این مسئله از ۲ منظر قابل تحلیل است. اول اینکه تشدید مخاطرات اخلاقی در حوزه فروش شرکت‌های بیمه‌ای (و کارگزاران بیمه‌ای) ناشی از ایجاد یک فضای رقابتی سرسختانه (اقیانوس قرمز)، بازار ناسالمی را در مجموعه صنعت بیمه و جامعه هدف ایجاد کرده که نتایج آن: رقابت در فضاهای محدود، نرخ شکنی (دامپینگ)، عدم تقارن تعرفه‌ها، کاهش کمی و کیفی خدمات اصلی و ارائه خدمات غیراستاندارد و غیرحرفه‌ای و موارد دیگری که علاوه بر تحمیل بار مضاعف تعدد و پیچیدگی‌های تخلفات به نهاد ناظر بعضاً آثار مخرب اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی را در کوتاه‌مدت و بلندمدت برای صنعت، اقتصاد و جامعه در بر داشته است. دلیل اصلی مشکل مذکور محدود (و بسته) بودن فضای مبادلات بیمه‌ای در سطح سازمان‌ها و نهادهای عمدتاً دولتی و شبه‌دولتی و از آن مهم‌تر ظرفیت گسترده خالی و بکر (اقیانوس آبی) بیمه‌های زندگی در کشور است که جامعه هدف آن کلیه آحاد مردم است.

دوم اینکه بر پایه تحلیل‌های نظری، تضاد منافع نهادهای مذکور که ریشه در فلسفه وجودی و وظایف ذاتی آن‌ها دارد[1] در مسیر همگرایی و همسویی خواست‌ها و نیازهای متضاد و متنوع به

۱. نهاد حاکمیت به دنبال حداکثر کردن منافع عمومی و شرکت‌های بیمه و سایر بازیگران درصدد حداکثر نمودن منافع خود (سود و درآمد) می‌باشند.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-17]

سمت ایجاد و تحکیم بنیان‌های منافع مشترک قرار می‌گیرد که این حاصل تغییر تعاملات و مبادلات وابسته به خواست‌های فردی به کنش‌های جمعی[1] ناشی از تفکر توسعه‌ای مبتنی بر نگرش تحول‌گرا است.

به منظور تبیین واقعی و منطبق بر گزارش‌های تحلیلی- علمی، از گزارش PWC استفاده شده که علاوه بر بهره‌مندی محققان و پژوهشگران، مبنای منطقی و علمی برای تعیین راهبردها، اهداف، برنامه‌ها و سیاست‌گذاری‌ها در بسیاری از کشورهای نوظهور و درحال‌توسعه قرار گرفته است. بر اساس تحلیل‌های مستخرج از یافته‌های تحقیق، یک جمع‌بندی کلی از مباحث مطروحه که پیشنهاد اصلی تحقیق را نیز در بر دارد به شرح زیر ارائه می‌گردد:

۱. بازارهای نوظهور از اهمیت فوق‌العاده‌ای در اقتصاد حال و به‌ویژه آینده جهان برخوردارند چراکه از یک سو موتور پیشران اقتصاد دنیا و از سوی دیگر تعیین‌کننده مسیر رشد بلندمدت نوظهورها و در حال نوظهور شدن‌ها هستند که برنامه‌ها و سیاست‌های تحقق قرار گرفتن در این مسیر را مشخص نموده‌اند.
۲. مهم‌ترین دلالت تجربه توسعه چشمگیر صنعت بیمه چین که بر پایه رشد معنادار بیمه‌های زندگی شتاب گرفته، باور نظری و عملی به رشد فراگیر بیمه زندگی به عنوان زیرساخت توسعه ساختاری و بنیادی صنعت بیمه بوده که از طریق حمایت هدفمند و نظام‌مند دولت و نهاد حاکمیت و مشارکت صنعت بیمه منجر به تحول بالنده و پایدار گردیده است.
۳. شاید بتوان گفت یکی از مهم‌ترین اهداف توسعه معنادار بیمه زندگی در چین، وجوه تأمین مالی بیمه زندگی است که به‌ویژه در مراحل اولیه رشد، به‌ویژه رشد بخش حقیقی اقتصاد نقش برجسته و اولویت‌داری را به عهده دارد. این مهم برای شرایط حال اقتصاد کشورمان موضوعیت داشته و قابل انطباق است.
۴. ایران نیز در حال ورود به باشگاه نوظهورها است و لاجرم می‌بایست الزامات و شرایط حضور و تداوم مسیر بلندمدت این باشگاه را برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری نماید.
۵. نهادهای زیرساختی توسعه‌ای برای ایجاد یک تغییر معنی‌دار در حوزه بیمه‌های زندگی وجود دارد.

1. Conflict of Self-interests →Collective Actions

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-17]

۶. نهاد حاکمیت برای نیل به یک تحول بنیادی، نیاز به تغییر نگرش در نقش و جایگاه خود دارد.

۷. بر اساس تجربه چین و با ایجاد شرایط و ساختار مناسب، نظام بیمه کشور می‌تواند بر مبنای توسعه فراگیر بیمه زندگی، بخش حقیقی اقتصاد را از طریق تأمین مالی سرمایه‌های بیمه زندگی به بازار سرمایه مرتبط نمود و جریان سرمایه‌گذاری‌های هدفمند و نظام‌مندی را برای هم‌افزایی سه بخش توسعه‌ای اقتصاد کشور؛ بیمه، بورس و بخش حقیقی اقتصاد ساماندهی کرد.

۸. برنامه و سیاست‌های تحول‌گرا باید بر مبنای نگرش توسعه‌ای و تجارب نوظهورها طراحی و عملیاتی گردد.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-17]

منابع

- احراری، متوسلی و نیکونسبتی، علی (۱۳۹۶)، لزوم توجه به رویکردهای بدیل و میان‌رشته‌ای در فرآیند برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری اقتصاد مقاومتی، *مجله راهبرد توسعه*، (در حال بررسی)
- زبیری، ه، متوسلی، م، احراری، م (۱۳۹۵)، آثار توسعه‌ای بیمه زندگی از منظر انسجام اجتماعی، *فصلنامه پژوهشنامه بیمه*، سال سی‌ام، شماره ۱، مسلسل ۱۲۰، بهار ۱۳۹۵، ۱-۳۳.
- طیب نیا، علی. نیکونسبتی، علی. (۱۳۹۲)، نهادها و رشد اقتصادی، *فصلنامه برنامه‌وبودجه*، سال ۱۸، شماره ۱، بهار ۱۳۹۲، ۱۰۹-۱۳۲.
- کاردگر، ا. احراری، م. (۱۳۹۳)، تأثیر بیمه زندگی بر تولید ملی مبتنی بر رویکرد توسعه انسانی، *فصلنامه پژوهشنامه بیمه*، سال ۲۹، شماره ۲، شماره مسلسل ۱۱۴، تابستان ۱۳۹۳، ۱۳۷-۱۶۲.
- متوسلی، محمود، نیکونسبتی، علی و بیات، مجتبی (۱۳۸۹). توسعه انسانی به مثابه فرآیندهای درهم‌تنیده، *مجله توسعه روستایی*، دوره اول، شماره ۲، بهار و تابستان ۱۳۸۹.
- متوسلی، م. جلالی نائینی، س‌غ. نورعلیزاده، ح. میرزایی پری، ی. (۱۳۹۰). تحلیل نهادی بازار بیمه زندگی کشور: با استفاده از مدل چهار سطحی ویلیامسون، *پژوهشنامه بیمه*، سال ۲۶، شماره ۳، پیاپی ۱۰۳، ۵۱-۷۷.
- متوسلی، محمود. (۱۳۸۷). *توسعه اقتصادی (مفاهیم، مبانی نظری، رویکرد نهادگرایی و روش‌شناسی)*، تهران، انتشارات سمت.
- متوسلی، محمود، نیکونسبتی، علی و فرضی زاده (۱۳۸۹). *اقتصاد نهادی*، انتشارات دانشگاه تهران.
- مهدوی کلیشمی، غ (۱۳۸۸). تقاضای بیمه عمر تصادفی: کاربردی از اقتصاد در شرایط عدم اطمینان، *تحقیقات اقتصادی*، ۸۸
- مهدوی کلیشمی، غدیر (۱۳۸۸). *بررسی عوامل کمی و کیفی مؤثر بر تقاضای بیمه عمر و راهکارهای توسعه و گسترش نفوذ آن در صنعت بیمه کشور*، تهران :پژوهشکده بیمه.
- Zhang,C. Zhu, N.2005. Determinants of the development of insurance In china under the globalization.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-17]

- Global insurance trends analysis 2016, An industry braving uncertain times May 2017, EY.
- Insurance Market Outlook, Munich Re Economic Research, May 2016.
- KPMG, 2018.
- Swiss Re, Sigma No 3/2017.
- Swiss Re, Sigma No 3/2019.
- The Long View, How will the global economic order change by 2050? PWC, February 2017.
- Global insurance trends analysis 2016, An industry braving uncertain times May 2017, EY.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-17]